



COMIC CITY

DC COMICS™

23

GATES MOUSTAFA FILARDI



THE FLASH
SEASON ZERO

THE FLASH

SEASON ZERO

MENTORS AND MELTDOWNS
Part 1 of 2

مترجم و ویراستار
احمد کلاتیانی

Script
Sterling Gates

Art
Ibrahim Moustafa

Colors
Nick Filardi

Letters
Deron Bennett

Assistant Editor
Brittany Holzherr

Editor
Alex Antone

The Flash: Season Zero Chapter 23™ and © 2015 DC Comics.
All Rights Reserved.

COMIC CITY



پانزدہ فوٹ زیرِ تونلِ ۵۲، سنترال سیتی

امم... بچہ ہا،
یہ چیز میگم باور تون
نمیشہ.



خودمم
نمیدونم باورم
میشہ یا نہ...

کی تورو
ساختہ؟

کسانی که باهاشون کار میکنی؟

کی به تو کمک کرده که کسی بشی که امروز هستی؟

عنکبوت گنده؟ شوخی میکنی دیگه؟

وای پسر، معرکه است!!

واقعا معرکه نیست سیسکو.

وای...!

CHOOOM

دوستات؟
خانوادت؟

پنج تا کارگر این پایین به خاطر این موجودات ناپدید شدن.

از کجا اومدن اینا؟ باغ وحش فضایی؟

مممممم...



بعید میدونم که فضایی باشن،
بری. ما نمیدونیم که انفجار شتاب
دهنده ی ذرات تا چه حد به زیر زمین
نفوذ داشته، ولی بر اساس تئوری میتونسته
که باعث جهش یافتن بشه ...

ENERGY RADIUS

پس یعنی اینا
الان ... فرا-گنده
عنکبوتن؟؟

فرا-گنده-عنکبوت ها
در زیر سنترال
سیتی.

من ... من
باید بشینم.

بیشترین نوع عنکبوت
تو سنترال سیتی، عنکبوتای
بانگی هستن. اینا به این معروفن
که میتونن پشت سر هم تارهای
گنده تولید کنن. معمولا
وحشی نیستن...

اینجا خیلی هم
وحشی ان!! چی
کار کنم؟؟

ام، سعی کن
تو تارشون گیر نیفتی
و کارگرا رو از
اونجا ببری
بیرون.

گفتنش
خیلی راحت.

یا شاید یه نفر باهات
بوده که بیشتر از همه بهت
کمک کرده ...

... یکی که از سطحی خیلی بالاتر
از تو اومد و تو هم با خودش
کشید بالا؟



اوه.

حالت خوبه
کیتلین؟

به پیغام
برام اومده ...

باید برم تشییع
جنازه!



کی تورو ساخته؟
و مهمتر از اون ...

... آیا اونا هنوز هم
از تو بالاترن؟

دکتر ولز؟ یه چند
روزی میخوام از
آزمایشگاه استار مرخصی
بگیرم.



البته کیتلین. هر جور
خودت بخوای. کار دیگه ای هم
هست که از دست ما
بر بیاد؟



دکتر هالوول
یک بانوی بزرگوار بود
که همیشه بهترین تلاشش رو
میکرد تا دانش آموزای خودش
رو به بالاترین سطح برسونه ... دانش
آموزایی که خیلیاشون هم امروز
با ما هستن.

او راهنمای صدها
مرد و زن جوان بود، تا اینکه
خودش رو از اون کار بزنشسته
کرد تا به تحقیقات خودش
برسه ...

کاری که به طرز
غم انگیزی آتشی رو آغاز
کرد که زندگی دکتر
هالوول رو گرفت.

از همتون برای اینکه اومدین
ممنونم ... میدونم که او
هم دوست داشت که اینجا
باشین.



نه، فقط یه کم زمان میخوام.



دکتر هالوول خیلی برای کیتلین مهم بوده، نه؟

وَنگاری هالوول یک دانشمند فوق العاده بوده آقای الن. تو دهه ی نود اون رو به عنوان بهترین تو رشته ی خودش انتخاب کردن ...

ولی تحقیقات فیزیک ترمال خودش رو گذاشت کنار تا بتونه به نسل بعدیه دانشمندا یاد بده که "چطوری داغ رو داغتر و سرد رو سردتر کنن."

کیتلین یکی از بهترین شاگرداش بود. از دست دادن یه راهنما مثل اون ...



به نظرت حالش خوب میشه؟

البته که میشه سیسکو، واسه چی؟

نمیدونم ...

"... فقط به نگاه عجیبی
تو چشمش بود."



خوب، بسته ی
مرموزی که نیمه شب
یه شب طوفانی رسیدی،
اومدم سراغت.

بینیم چی
هستی؟



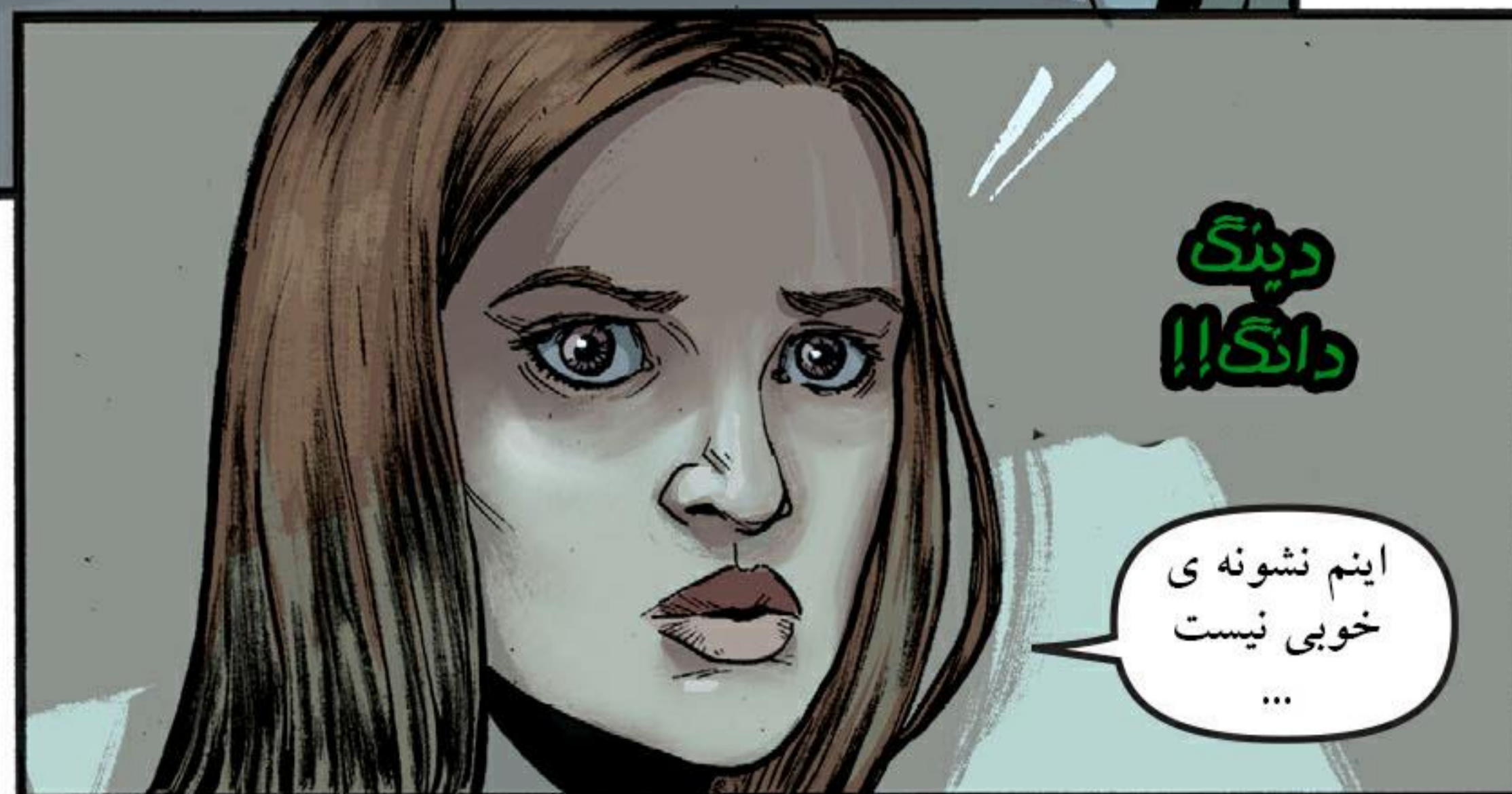


هاه.



خوب، فکر کن
یه درصد این چیز
بدی باشه.

تو در خطری!!
منو سریعاً ببین!



دینگ
دانگ!!

اینم نشونه ی
خوبی نیست
...





سلام دکتر
اسنو ... کیتلین.
خیلی وقت بود
حرفی نزده بودیم.

اگه الان داری اینو
نگاه میکنی، یعنی که من
مردم ... و بابت این متاسفم ... چون
الان که من مردم، تمام دانش آموزان
هم تحت هدفن.



اییییول،
از تو قبر
پیغام داده.

سیسکو.

توی این بسته
کل تحقیقات من تو زمینه ی
ترموداینامیک ها رو
پیدا میکنی و ...



... ماشین حرکتی ابدیم ...
موتور بینهایت من!!

یکی از همکلاسیات ...
کایل کویرک، منو
واسه به دست آوردن
این گشته!!

لطفا کیتلین ...
من میخوام که
برام یه کاری
کنی.

پانزده مایل بیرون سنترال سیتی.

واقعا فکر
میکنی این یارو کویرک
دکتر هالوول رو کشته؟

ما یه گروه فوق العاده
از دانش آموزا بودیم. هر
کدوم ما به شدت استعداد
داشتیم. دکتر هالوول خودش
ماهارو واسه برنامه ی ترموداینامیکش
انتخاب کرد.

ما بهترین بهترینها
بودیم ... و اون به ما
کمک کرد که حتی
بهتر هم بشیم.

یعنی براتون مثل
ابی-ون کنوبی
بوده.

بیشتر مثل پروفیسور
مکگاناگال بود. ماهارو
پرورش داد، مارو برد
بالاتر و بالاتر ...



ولی بعضی مواقع
خیلی سنگین پیش
میرفت ... خیلی سخت
میگرفت ... پدرتو درمیآورد،
به گریه میفتادی.

هالوول به این گریه های
شرم آورمون میگفت "درس
فروتنی."

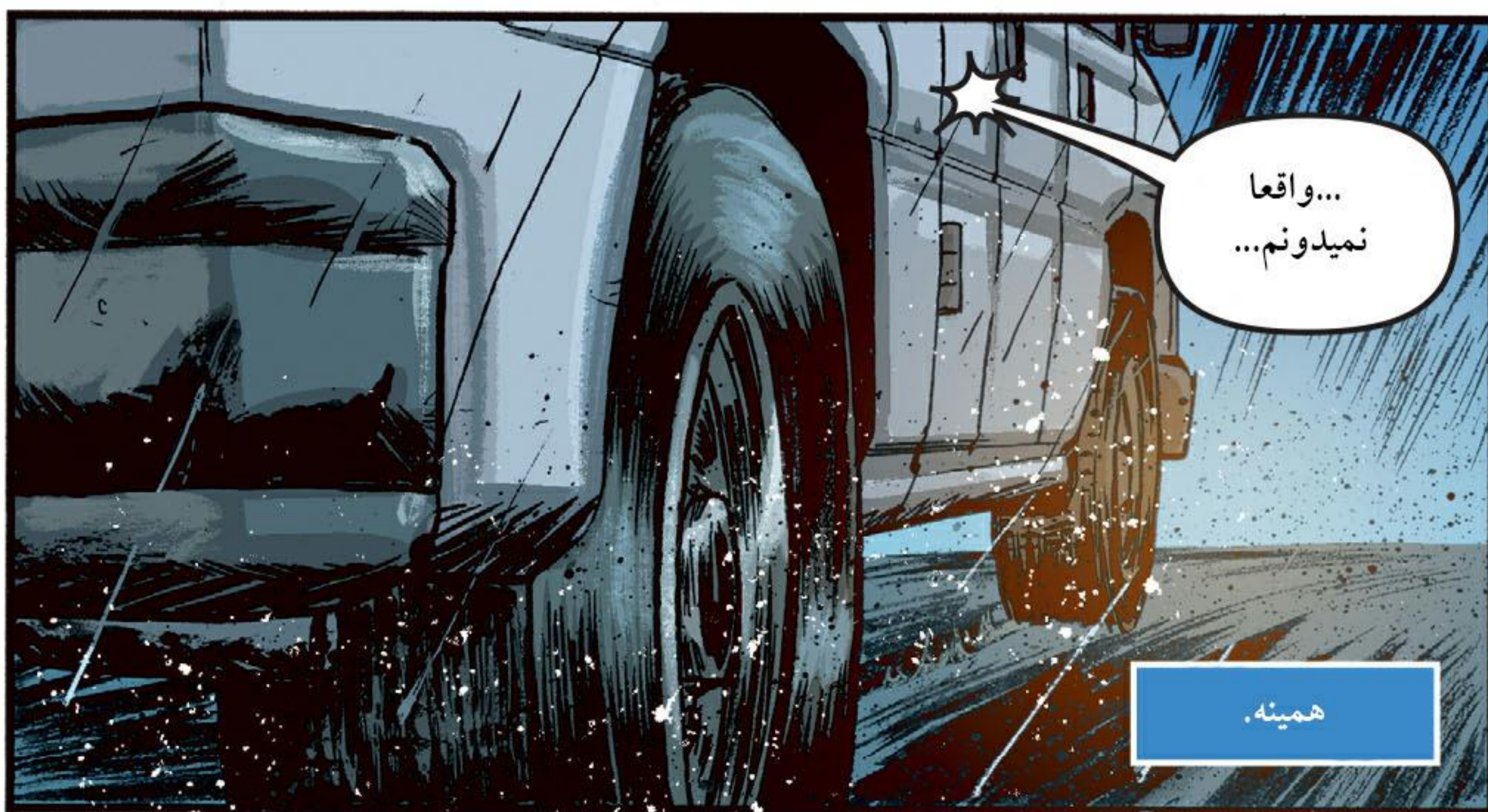
ما هم بهش لقب
"دکتر اشک آور"
دادیم.



بعضی از بچه ها
تحملش رو نداشتن و
برنامه رو زود بیخیال شدن.

جی جی کیبل
رفت انگلیس و با یه
ستاره ی فوتبال ازدواج
کرد. ماریا کرتزیه کار تحقیقاتی تو
قطب شمال رو شروع کرد.

کایل کویرک همیشه
باهوش و ترسناک بود. با نمک
بود، ولی زیادی ساکت بود. بعد فارغ التحصیلی
کلا غیبش زد. ولی اینکه به نظر من اون
یه قاتل باشه ...



... واقعا
نمیدونم...

همینه.

پسر.

تنها دکتری که باید
اینجا زندگی کنه، دراکولای
خودمونه.



تو نامه ی دکتر هالول
نوشته که نسخه ی اولیه
توی آزمایشگاه زیرزمینیشه.

میریم، برش میداریم
میزاریمش تو ون
و برمیگردیم آزمایشگاه
استار.

باشه ... میگما،
این به نظرت به کمی
عجیب نییاد؟

چطور
مگه؟

آزمایشگاه زیرزمینی و
قاتل فراری؟ بهتر نیست به دکتر
ولز راجع به اینا بگیم؟ یا از بری
کمک بخوایم؟



”بری به کسایی که کمک
نیاز دارن کمک میکنه، سیسکو. ما
خودمون میتونیم از پس برداشتن یه وسیله
و بردنش به آزمایشگاه بر پیام. بعدش هم ...“



... این یه مساله
شخصیه.

”کسی خونه
هست؟“

KREEEEEEEEAK

تو هم مثل من
حس میکنی الان تو کارتون
اسکویی-دو باشی؟

اصلا اونطوری
که انتظار داشتم
نیست.

دکتر هالوول
علاقه ی خاصی
به نژاد گوتیکا
داشته؟

نه تا جایی که من
میدونم. پدرش یه دکتر
آفریقایی بوده و مادرش آمریکایی
بوده، تو کنیا هم به دنیا اومده.
وقتی هم بچه بوده رفتن تو انگلیس
زندگی کردن.

ورودی آزمایشگاه
باید دقیقا زیر پله ها
باشه...

دوست ندارم
اینو بهت
بگم ...

... ولی هیچی اینجا
نیست.

نمیشه که ...
تو نقشه نوشته که
دقیقا ...



VRRRRR

امکان
نداره!
ورودیه
مخفی؟



WMMMMM

لطفا
چشمانتان را
باز کنید.

ام،
باشه...؟



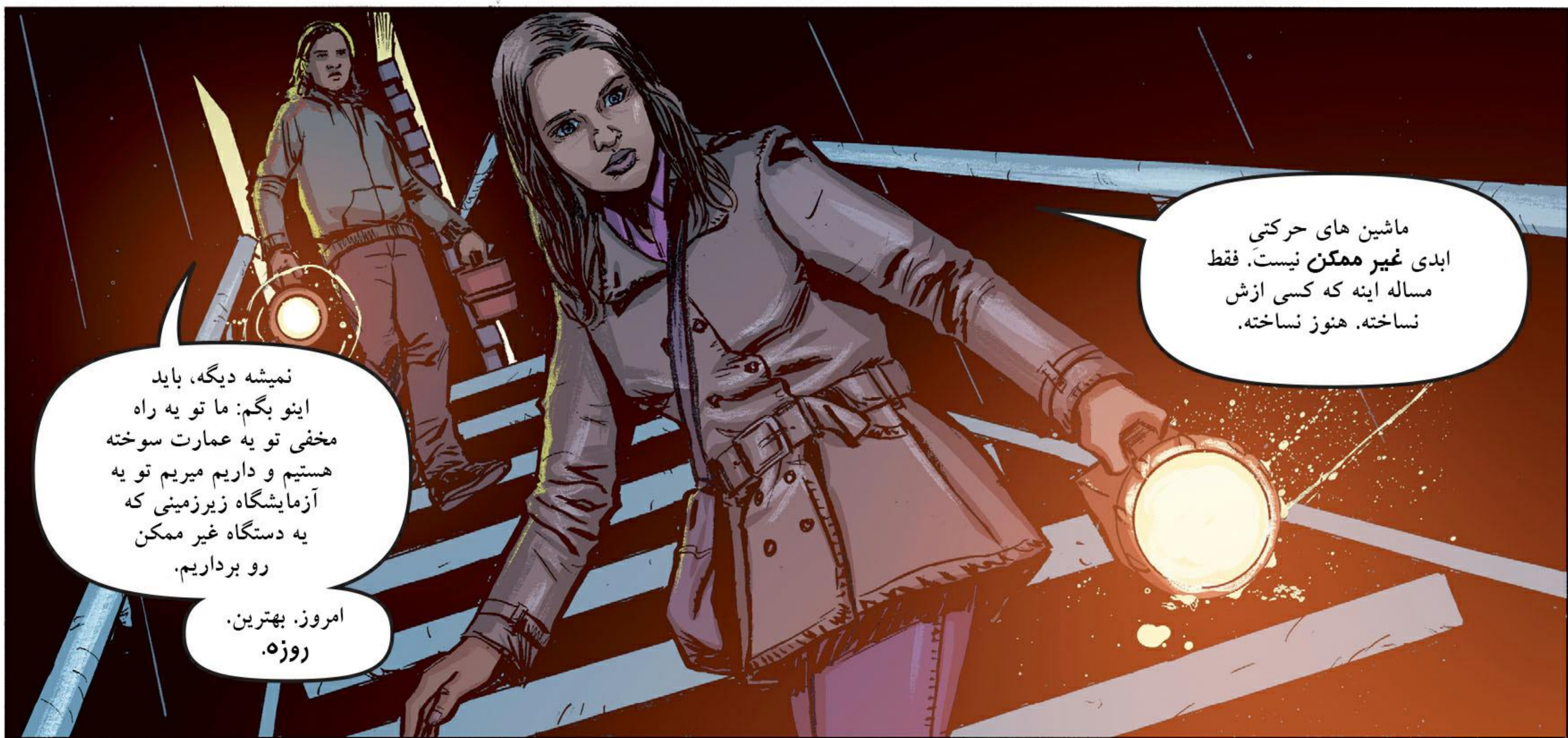
شبکه ی
چشم تایید
شد.

KERCHAK



دکتر اسنو
خوش آمدید. لطفا
برید طبقه ی پایین.

جونم راه
مخفی!!



ماشین های حرکتی
ابدی تغییر ممکن نیست. فقط
مساله اینه که کسی ازش
نساخته. هنوز نساخته.

نمیشه دیگه، باید
اینو بگم: ما تو یه راه
مخفی تو یه عمارت سوخته
هستیم و داریم میریم تو یه
آزمایشگاه زیرزمینی که
یه دستگاه غیر ممکن
رو برداریم.

امروز. بهترین.
روزه.

خودم مهندسی
مکانیک بلدم،
میدونی؟

قانون ترمودینامیک
میگه که هیچ ماشینی نمیتونه
به طور ابدی بدون کمک هیچ
انرژی اضافی ای تو حرکت
بمونه.

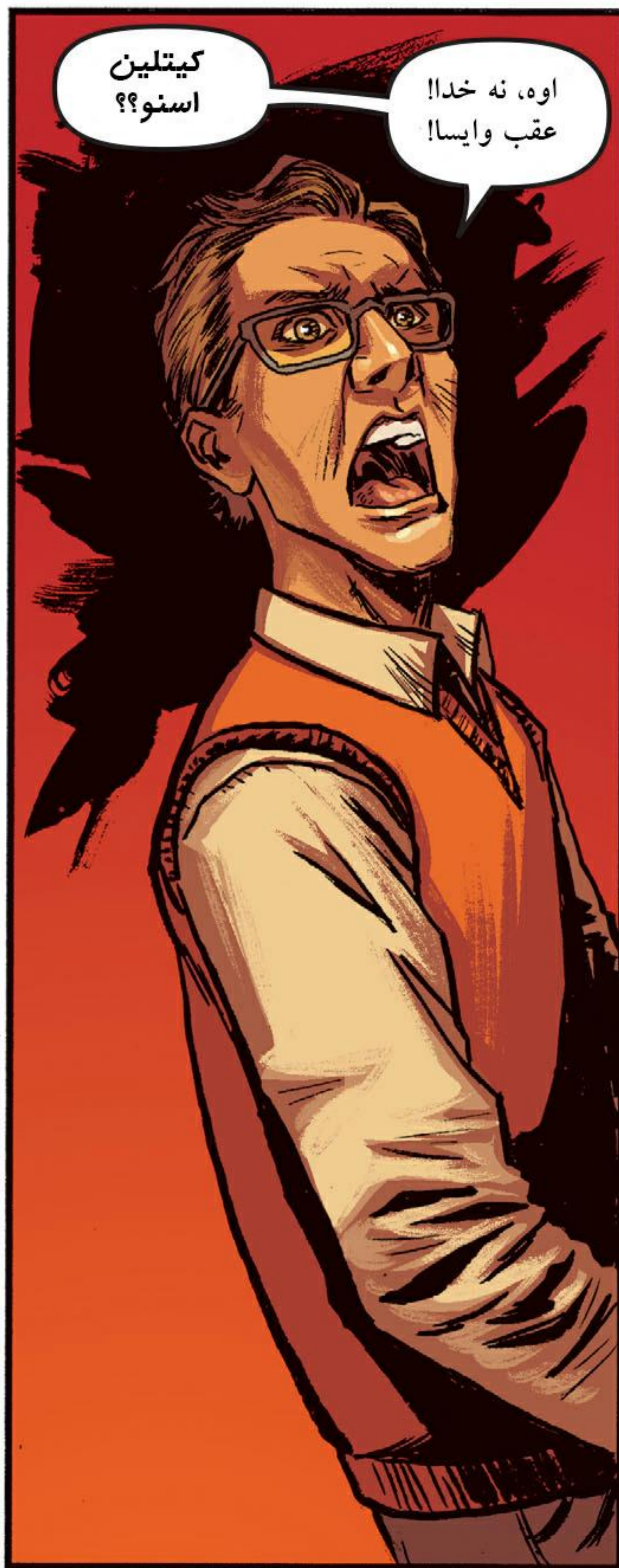
ما تو کلاس دکتر هالوول کلی
تئوری واسه اینکار دادیم، ولی هیچوقت
عملیون نکردیم. اگه کسی قرار بود تو
این کار موفق باشه، اون بود.

بعدشم سیسکو،
دیگه تو که اینو
نگو، ما هرروز داریم
با تغییر ممکنا سر و کله
میزنیم.

VRRRR

بهبش میخوره
که اون باشه
... هی!

همونجایی
که هستی
وایسا!





موتور روشن
شد. ۹۰ ثانیه تا
احتراق.

کیت ... کیتلین،
اون دیوونه است! هر
دوی مارو کشونده
اینجا تا بتونه ...

سلام شاگردانم.



خیلی خوشحالم که
تونستین بیاین.

01:27
MIN SEC

دکتر هالول؟
خودتونین؟

خیلی خوبه
کیتلین. من تو رو آوردم
اینجا تا بخشی از بزرگترین
کارم باشی ... تا درس
فوق العاده ی
فروتنی رو بهت بدم ...

... چگونه
با افتخار بمیری
و دوباره زنده
بشی!!

مثل من.



ادامه دارد...

ترجمه شده در:

کمیک سینتی

مرجع دانشمند کمیک ترجمه شده



وبسایت ما: www.comic-city.ir

 @ComicCityIR

 @ComicCityIR

COMIC CITY